



با طرح دهلیز جنوبی گاز در آمریکا، «سخن گفتن» سلاح های ارمنی در قره باغ آغاز شد

پایگاه اینترنتی «استراتگ» جمهوری آذربایجان در تحلیلی در خصوص درگیری اخیر میان این کشور و ارمنستان نوشت: «اکثر شهروندان، توقف فوری جنگی را که بطور فوری شروع شده بود، نمی پذیرند و خواهان ادامه آن تا پیروزی نهایی هستند.»

به گزارش آران نیوز، استراتگ نوشت: «این آرزوی شهروندان کشوری که 20 درصد خاکشان اشغال و یک میلیون نفر از اهالی آن آواره شده، قابل درک است. بخصوص که خبرهای روزهای نخست نیز حکایت از موفقیت های ارتش جمهوری آذربایجان و در اختیار گرفتن ارتفاعات داشت. واکنش های جامعه بین المللی نیز در راستای حمایت از ما بود. در واقع نیز در شرایطی که این مزیت ها وجود داشت، توقف عملیات نظامی به هیچ وجه منطقی به نظر نمی رسید. صرفا زمانی که از فضای تبلیغات جنگی منفک شویم می توان صلح خواهی اجباری حاکمیت جمهوری آذربایجان را درک کرد. بیشتر از آمار رسمی بودن تعداد جنازه هایی که از قره باغ آورده می شدند و نیز اظهارات مقامات روسیه که خود را قدرت اصلی منطقه می داند و نیز استقرار واحدهای نظامی این کشور در مرزهای قفقاز جنوبی نشان می دهد که شرایط موجود برای تحقق آرزوهای ما مناسب نبود.»

استراتگ افزوده است: «بی خبری موجود از اطلاعات پشت پرده نیز امکان تحلیل درست این موضوع را نمی دهد. در وهله نخست باید پذیرفته شود که ما طرف آغاز کننده این جنگ سه روزه نیستیم. طرف اصلی ما در این جنگی که به اجبار وارد آن شدیم نیز ارمنه نیستند. صرفا، این روسیه بود که یکی از اهرم های خود را برای قطع تمایل جمهوری آذربایجان به غرب و حتی الحاق اجباری ما به اتحادیه اوراسیا، طرحی جدید از اتحاد جماهیر شوروی، بکار گرفته بود. این را می توان از سخنان بعدی سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز فهمید که گفت: «جمهوری آذربایجان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و در سازمان قرارداد امنیت جمعی عضو نیست. اما، من امیدوارم که این وضعیت تغییر کند.»

استراتگ افزوده است: «اگر به این سخنان آشکار، برخی اقدامات جمهوری آذربایجان در آستانه جنگ را اضافه کنیم، معنای کامل این وضعیت مشخص می شود. جمهوری آذربایجان به علت کاهش قیمت انرژی در بازار جهانی، با شرایط دشواری روبرو شده بود. حاکمیت جمهوری آذربایجان که در سال های رونق نفتی، درآمد ارزی را صرف طرح های بی ارزش کرده و به مقامات دولتی خورنده بود، نیاز شدیدی به سرمایه گذاری برای شکوفا کردن بخش غیرنفتی احساس می کرد. برای این منظور نیز می توانست از دو منبع بهره بگیرد: منابع داخلی و خارجی. اما، منابع داخلی که «خامه نفت» را مکیده بودند، پول ها را صرف ساخت املاک محتشم و زیبا و نیز سرمایه گذاری در خارج کرده بودند. حتی مجازات این افراد که با پول های دزدی، ثروتمند شده اند نیز نمی توانست سرمایه های از دست رفته کشور را احیا کند. سرنوشت درآمدهای خارجی این ثروتمندان نیز صرفا به خودشان مربوط نیست و نمی شد به این نیز امید بست.»

استراتگ افزوده است: «منابع خارجی نیز برخلاف سال های قبل، دیگر با جمهوری آذربایجان سخاوتمندانه رفتار نکردند. سازمان های بین المللی نمی خواستند پول های خود را به باکو که با فشار روسیه، به غرب پشت کرده بود، حواله کنند. بارها مذاکرات باکو با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بی نتیجه ماند و نشان داد که این نهادهای مالی شروطی را پیش پای باکو گذاشته اند که نمی تواند آنها را بپذیرد. گرچه محتوای این مذاکرات از جامعه پنهان نگه داشته می شد، اما احتمالا یکی از شروط اصلی، تغییر جهت گیری سیاسی جمهوری آذربایجان بود. ظاهرا جمهوری آذربایجان که محل تنفس خیلی تنگ شده بود، در نهایت گامی را برداشت که از آن پرهیز داشت و پس از نشان داده شدن برخی علائم در خصوص بازگشت جمهوری آذربایجان به جهت گیری غربگرایانه اش، الهام علی اف، رئیس جمهوری آذربایجان به واشنگتن سفر کرد. گرچه نام این سفر را شرکت در نشست امنیت هسته ای گذاشته بودند، باکو که فاقد هرگونه نیروی اتمی است، بطور طبیعی در واشنگتن به دنبال چیزهای دیگری بود. برخی سخنان بیان شده توسط مقامات آمریکایی در مذاکرات با الهام علی اف در حاشیه نشست واشنگتن، بعضی از مطالب را آشکار می کرد. موضوع مذاکرات الهام علی اف با جان کری، وزیر خارجه و جو بایدن معاون رئیس جمهوری آمریکا، کاملا با استراتژی انرژی روسیه تضاد داشت؛ طرح دهلیز جنوبی گاز موضوع اصلی این مذاکرات بود. مقامات آمریکایی تاکید کردند که از اجرای طرح دهلیز جنوبی گاز بطور کامل حمایت می کنند. جالب است که الهام علی اف با جو بایدن که مظهر اراده سیاسی آمریکا به حساب می آید، در روز اول آوریل دیدار کرد و درگیری اخیر قره باغ نیز در همان زمان روی داد. به محض اینکه سخنان جو بایدن درباره حمایت از تمامیت ارضی و حق حاکمیت جمهوری آذربایجان و تعریف کردن از طرح دهلیز جنوبی گاز پایان یافت، «سخن گفتن» سلاح های ارمنی در قره باغ آغاز شد. جمهوری آذربایجان در این جنگ که بالاجبار وارد آن شد، تا حد ممکن برای بازگرداندن اراضی خود تلاش کرد.

زیرا، کشوری که بالاجبار وارد جنگی می شود، در صورتی که پاسخ قاطعی به طرف مقابل ندهد، دیگر نمی تواند بازدارنده باشد.»

استراتگ افزوده است: «آغاز سخن گفتن سلاح های ارمنی پس از سخنان جو بایدن، اتفاقی نبود. طرح دهلیز جنوبی گاز که آمریکا از آن حمایت می کند نیز ربطی به ارمنه ندارد. این طرح علیه استراتژی روسیه برای حفظ وابستگی اروپا به گاز این کشور، طراحی شده است. این واقعیت به تنهایی نشان می دهد که در پشت صحنه جنگ سه روزه اخیر چه کسی قرار داشته است.»

استراتگ افزوده است: «آمریکا بدون ارایه جایگزین، نمی تواند اروپا را از وابستگی به گاز روسیه رهایی بخشد. به همین علت، در چارچوب طرح دهلیز جنوبی گاز، انتقال گاز بسیاری از کشورها از قطر گرفته تا جمهوری آذربایجان به اروپا مطالبه شده است. روسیه نیز بطور جدی به مخالفت با این طرح می پردازد که هدف آن، نابود کردن قدرت جهانی روسیه است. زیرا، فروش گاز روسیه به اروپا، علاوه بر اینکه امکان آقایی کردن روسیه بر دنیا را فراهم می کند، سالانه 200 میلیارد دلار درآمد برای روسیه حاصل می کند. اگر مسکو این درآمد را که نیمی از عایدات ملی روسیه را تشکیل می دهد، از دست بدهد، در مدت کوتاهی با شورش گرسنگان، نقره داغ خواهد شد. فعال شدن روسیه در سوریه و قفقاز جنوبی نیز با همین مساله مرتبط است. زیرا، مسیر انتقال گاز قطر به اروپا از سوریه و مسیر طرح انتقال گاز جمهوری آذربایجان، تاناب از قفقاز جنوبی عبور می کند. تبدیل این مناطق جغرافیایی به مرکز مناقشه نیز به معنای اجرا نشدن طرح دهلیز جنوبی گاز و ادامه تسلط جهانی روسیه است.»

استراتگ افزوده است: «اگر در پرتو این استدلال به درگیری اخیر قره باغ توجه شود، اسرار این معما روشن می شود. براساس آمار رسمی منتشر شده، تعداد جان باختگان در این جنگ، بیش از 30 نفر می باشد. اما، اطلاعاتی که در بررسی های برخی مطبوعات به دست آمده، نشان می دهد که این تعداد نزدیک به 100 نفر است. علت تحمل این تلفات در مقابل ارمنه ای که هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر قدرت نظامی، به دفعات ضعیف تر از ما هستند، چه می تواند باشد؟ با آنکه اعلام نمی شود، واقعیت این است که ما در قره باغ نه با ارمنه بلکه با روس ها می جنگیم. کشورهای غربی نیز با استناد به مناقشه ما با ارمنه، از فروش سلاح به جمهوری آذربایجان خودداری کرده اند. ارتش جمهوری آذربایجان نیز اساسا محکوم به این است که با سلاح هایی که از روسیه خریداری می کند، بجنگد! این نیز نشان می دهد که طرف مقابل ما، اطلاعات بیشتری از خود ما درباره سلاح هایمان دارد. علاوه بر این، اعترافات اخیر مقامات جمهوری آذربایجان نیز نشان می دهد که کیفیت سلاح های فروخته شده به ما، مطابق با استانداردهای لازم نیست. از طرف دیگر، وقتی به فهرست قهرمانان شهیدمان نگاه می کنیم، با نام های نخبه ترین افسران کشورمان مواجه می شویم. حاکمیت جمهوری آذربایجان به علت اینکه می داند در این رویارویی با روسیه مواجه است، مجرب ترین جنگجویانش را به نبرد می فرستد و در نتیجه، قهرمانانی را که طی سال ها آموزش دیده اند، در بمباران های روسیه از دست می دهیم. در شرایطی که در مقابل دشمن، این قدر ضعیف می باشیم، ادامه جنگ صرفا به معنای تلفات بیشتر برای ما نیست، بلکه به معنای ایجاد بستر برای توجیه حقوقی و نظامی

طرحي است که طرف مقابل برنامه ريزي کرده است. مسکو مي خواهد علاوه بر جلوگيري از اجرائي طرح دهليز جنوبي گاز، ارتش روسيه بطور کامل در قفقاز جنوبي مستقر شود. ادامه مناقشه نيز مي تواند به استقرار نيروهاي صلح باني روسيه به عنوان يکي از روساي گروه مينسک سازمان امنيت و همکاري اروپا در منطقه منجر شود. سخنان مقامات روس و ارمني اين را آشکارا نشان مي دهد. گرچه مقامات جمهوري آذربايجان از اين وضعيت پرهيز مي کنند، اما تلفات جبهه همه معادلات را مي تواند تغيير دهد. همچنانکه فقط يک روز پس از اظهارات جسورانه (مقامات باکو) مبني بر آزادي کامل قره باغ از اشغال، مجبور به امضاي توافق آتش بس شديم. گرچه ميدان جنگ، مکاني است که احساس بر عقل مستولي مي شود، اما صرفا خونسردي و عقل موجب پيروي مي شود. اميد که خونسردي خود را از دست ندهيم.»